

بیانات در مراسم سالگرد شهادت دکتر مفتاح / ۱۳۴۲/۰۹/۲۶

شهید مفتاح معتقد به مبارزه بود. آن روزها هنوز مبارزه‌ی سیاسی قوی و عمیقی در حوزه نبود. و انقلاب و نهضت روحانیت هنوز شروع نشده بود، اما مبارزه‌ی برای گسترش فکر اسلامی و مبارزه برای پیدا کردن مفاهیم جدید در اسلام وجود داشت. مبارزه بود، این هم یک مبارزه بود.

بیانات در مراسم بیعت فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد / ۱۳۴۸/۰۲/۲۰

وظیفه‌ای که امروز در نظام جمهوری اسلامی بر عهده‌ی علما و روحانیون است، از چند جهت وظیفه‌ی استثنایی است: هم برای خود ما در طول تاریخ روحانیت شیعه و فقاقت اسلام استثنایی است و هرگز چنین دورانی را نداشتیم که فقها و علما وظیفه‌ی سنگینی مانند امروز داشته باشند، و هم نسبت به سایر علمای دین در سراسر جهان این وظیفه استثنایی است؛ چون در کشور و جامعه‌ی ما نظامی استقرار پیدا کرده است که بر مبنای تفکر و شریعت اسلامی شکل گرفته و اداره می‌شود و این نظام پذیرفته است که به سمت تحقق کامل شریعت و اهداف اسلامی حرکت کند. علما در بلاد اسلامی، از این جهت بار سبک‌تری بر دوش دارند.

اگرچه به یک معنا وظیفه‌ی دفاع از دین عمومی است و سکوت علما در مقابل سلاطین و روسای ظالم و ضد دین و مماشات آنها در برابر سیاستهای استکباری-چه شرقی و چه غربی- قابل قبول نیست و خدای متعال وظیفه‌ی دفاع از دین را بر عهده‌ی علما و مرشدان ملت و معلمان امت گذاشته است و این امر اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد و در همه‌ی اقطار اسلامی، دفاع از اسلام و قرآن و شریعت اسلامی در درجه‌ی اول بر عهده‌ی علماست و در هیچ شرایطی از این کار معاف نمی‌شوند، منتها در آن کشورها کار علما آسان‌تر و ساده‌تر است و پیچیدگی کار در نظام اسلامی را ندارد.

در آنجا مسئولیت دفاع از حیثیت جهانی اسلام و تنظیم سیستم و نظامی که لزوماً تمام جوانب آن براساس اسلام شکل بگیرد، بر دوش آنها نیست. آنها وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را تا حدی که در فقه مشخص شده و به اندازه‌ی که امکان اثر و یا قدرت انجام آن باشد، لازم می‌دانند؛ اما اداره‌ی نظام و مردم و ساختن و پرداختن و جمع و جور کردن مجموعه‌ی زندگی انسانها براساس اسلام، کار بسیار پیچیده و ظریف و دشواری است که در این زمان بر دوش ما و علما در جامعه‌ی اسلامی است.

ممکن است آنها از لحاظ مبارزه‌ی سیاسی، بعضی از دشواریها را داشته باشند؛ اما آن سختیها به مراتب آسان‌تر و سبک‌تر از مسئولیتهایی است که برای دفاع از حیثیت جهانی اسلام در نظام ما وجود دارد. باید باور کنیم که اگر امروز جمهوری اسلامی بد و ضعیف عمل کند، فقط به حیثیت این نظام صدمه نمی‌خورد؛ بلکه به تمام حیثیت اسلام صدمه خواهد خورد.

در حقیقت از نظر ناظران جهانی، قبه الاسلام و علم و مظهر جامعه‌ی نمادین اسلام اینجاست. اگر ما ضعیف و بد عمل کنیم و نتوانیم احکام اسلامی و عدالت اجتماعی را استقرار ببخشیم و استعدادها را جوشان سازیم و از آنها استفاده کنیم و نتوانیم اخلاق اسلامی را در جامعه رواج دهیم و روابط انسانها را به صورت مطلوب تنظیم کنیم، قضاوت دنیا این خواهد بود که اسلام نتوانست به وعده‌های خود عمل کند. می‌بینید که این مسئولیت فقط بر عهده‌ی ماست، و علمای کشورهای دیگر که با نظامهای متفاوت زندگی می‌کنند، این احساس را در خود ندارند.

بیانات در دیدار اقبشار مختلف مردم و مسئولان و جمعی از شیعیان استان سرحد پاکستان / ۱۳۴۸/۰۷/۱۹

ما یک‌جانبه حرف نمی‌زنیم. ما به همه‌ی مسلمین عالم- هم سنی و هم شیعه- این سفارش را می‌کنیم. داخل کشور خودمان، برادران شیعه و سنی را در کنار هم در نماز جماعت و صحنه‌ی خونین جنگ و عرصه‌ی مبارزات سیاسی و حضور در صحنه‌های گوناگون انقلاب و در انتخابات و در مجلس شورای اسلامی و در همه جا، با یکدیگر دیدیم و می‌بینیم و هستند. آنها باهم مهربانند و مشکلی هم ندارند.

بیانات در دیدار اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان / ۱۳۴۹/۰۱/۲۲

بدون جهاد، هیچ دشمنی از صحنه عقب‌نشینی نخواهد کرد، و جهاد هم جز با اتحاد و وحدت و هماهنگی، امکان‌پذیر نیست. جهاد، عبارت از جهاد نظامی، جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی است.

این هر سه، جهاد است. هیچ‌کدام را شما مغفول عنه نگذارید. مبدا کسانی که در جبهه هستند و به جهاد نظامی مشغولند، کار سیاسی و تعارف بین‌المللی را دست کم بگیرند. سرتان کلاه خواهد رفت؛ این را بدانید. اگر این را دست کم بگیرید و نادیده بینگارید، مطمئناً ضرر خواهید کرد. فعالیت سیاسی، به تنهایی و بدون پشتوانه‌ی نظامی، هیچ کاری از آن بر نخواهد آمد. اگر کار نظامی نباشد، بهترین کار سیاسی هم به نتیجه‌ی نخواهد رسید. کار نظامی باید پشتوانه باشد؛ البته برای کسانی که اهل حقتند. کسانی که اهل باطل و سازشند، اصلاً به کار جهادی احتیاج ندارند. برون سازش کنند و مشکلاتشان را اگر حل شد حل کنند. کسانی که اهل حقتند، این‌طور نیستند. بدون کار جهادی، کار سیاسی و تحرک، هیچ فایده‌ی ندارد. کار سیاسی، باید پشتوانه‌ی جهاد نظامی داشته باشد و هر دوی این‌ها، بدون کار فرهنگی بی‌ثمر خواهد بود. کار فرهنگی، مردم را با شما نکه خواهد داشت. اکثران یا جمع کثیری از شما، بحمد الله عالم، فاضل، درس‌خوانده، زحمت‌کشیده و وارد به مفاهیم اسلامی و قرآنی هستید. کار فرهنگی را ان شا الله دنبال کنید. ان شا الله که خداوند همه‌ی شماها را موفق و موید بدارد.

بیانات در دیدار اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان / ۱۳۴۹/۰۱/۲۲

آنچه که من همیشه در جلسات متعدد روی آن تاکید کرده‌ام و الان هم تاکید می‌کنم، اصل قضیه - یعنی وحدت - است. اگر بخواهید جهاد کنید، وحدت می‌خواهید. منظور ما از وحدت، هماهنگی و یکنوایی و همصدایی است، تا برادران دیگر در مقابل هم قرار نگیرند و لوله‌های تفنگ، از دشمن به دوست منصرف نشود. اگر ان‌شاالله این هماهنگی باشد، خدا هم کمک خواهد کرد. «من کان لله کان الله له» (۲۹). این را صادق مصدق گفته است و ما نمی‌توانیم در آن شکی داشته باشیم. برای خدا باشیم، تا خدا هم برای ما باشد. «والذین جاهدوا فینا لنهذبنهم سبلنا» (۳۰). این حرفها، معلوم و واضح است و مطالبی بوده که همیشه ماها می‌گفتیم؛ حالا در عمل باید تجربه بکنیم و به آن عمل نماییم. گفتن، دیگر کافی است.

علی‌ای‌حال، ما دعا می‌کنیم و امیدواریم که خداوند شما را تأیید کند. بدون جهاد، هیچ دشمنی از صحنه عقب‌نشینی نخواهد کرد، و جهاد هم جز با اتحاد و وحدت و هماهنگی، امکان‌پذیر نیست. جهاد، عبارت از جهاد نظامی، جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی است. این هر سه، جهاد است. هیچ‌کدام را شما مغفول عنه نگذارید. مبدا کسانی که در جبهه هستند و به جهاد نظامی مشغولند، کار سیاسی و تعارف بین‌المللی را دست کم بگیرند. سرتان کلاه خواهد رفت؛ این را بدانید. اگر این را دست کم بگیرید و نادیده بینگارید، مطمئناً ضرر خواهید کرد. فعالیت سیاسی، به تنهایی و بدون پشتوانه‌ی نظامی، هیچ کاری از آن بر نخواهد آمد. اگر کار نظامی نباشد، بهترین کار سیاسی هم به نتیجه‌ی نخواهد رسید. کار نظامی باید پشتوانه باشد؛ البته برای کسانی که اهل حقتند. کسانی که اهل باطل و سازشند، اصلاً به کار جهادی احتیاج ندارند. برون سازش کنند و مشکلاتشان را - اگر حل شد - حل کنند. کسانی که اهل حقتند، این‌طور نیستند. بدون کار جهادی، کار سیاسی و تحرک، هیچ فایده‌ی ندارد. کار سیاسی، باید پشتوانه‌ی جهاد نظامی داشته باشد و هر دوی اینها، بدون کار فرهنگی بی‌ثمر خواهد بود. کار فرهنگی، مردم را با شما نکه خواهد داشت. اکثران یا جمع کثیری از شما، بحمدالله عالم، فاضل، درس‌خوانده، زحمت‌کشیده و وارد به مفاهیم اسلامی و قرآنی هستید. کار

فرهنگی را ان‌شالله دنبال کنید. ان‌شالله که خداوند همه‌ی شماها را موفق و موید بدارد.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش / ۱۳۷۳/۰۱/۲۲

در مبارزات- چه مبارزات نظامی و چه مبارزات سیاسی یا اقتصادی- هر طرف باید بر نقاط قوت خود و نقاط ضعف طرف مقابل تکیه کند. شما ببینید نقطه‌ی قوتتان چیست و روی آن تکیه کنید؛ چنان‌که در میدان جنگ همین کار را می‌کنید. یعنی نقطه ضعف طرف را می‌یابید، رخنه‌گاه را در صفوف طرف مقابل پیدا می‌کنید و حمله را بر نقاط ضعف طرف متمرکز می‌نمایید؛ و اگر بتوانید نقاط قوت طرف را از بین ببرید، به این کار می‌پردازید. فرض بفرمایید اگر دشمن هواپیماهای بسیار تیزپرواز دارد، برای زمین‌گیر کردن او در منطقه، ضد‌هوابی‌تان را تقویت می‌کنید. یا اگر زرهی بسیار مسلطی دارد، شما ضد زرهیتان را مجهز می‌کنید تا او زمین‌گیر شود. در مبارزات نظامی، این قاعده‌ی کلی است و همه‌ی ارتش‌های جهان، در نبردها چنین کاری می‌کنند. در دنیای سیاست نیز همین‌طور است. استکبار به کشور ما نگاه کرده و دیده است که ملت ایران نقاط قوت و نقاط ضعفی دارد. بنابراین می‌خواهد ضمن حد اکثر استفاده از نقاط ضعف، تا آنجا که می‌تواند نقاط قوت را از بین ببرد و مانع استفاده‌ی این ملت از نقاط قوت خود شود.

بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) / ۱۳۷۵/۰۲/۲۰

یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، که مصداق‌های بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده می‌شود، «فرهنگ رزمندگی و جهاد» است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک‌وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد؛ یک‌وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می‌شود؛ یک‌وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می‌شود و یک‌وقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی» اطلاق می‌گردد. البته جهاد، با عنوان‌های دیگر و در میدان‌های دیگر هم هست. پس، شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش اینکه، در مقابل دشمن صورت گیرد.

بیانات در دیدار فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) / ۱۳۷۵/۰۲/۲۰

یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، که مصداق‌های بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده می‌شود، «فرهنگ رزمندگی و جهاد» است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هر گونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد؛ یک وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می‌شود؛ یک وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می‌شود و یک وقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی» اطلاق می‌گردد. البته جهاد، با عنوان‌های دیگر و در میدان‌های دیگر هم هست. پس، شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش این‌که، در مقابل دشمن صورت گیرد. این نکته در فرهنگ اسلامی، نکته‌ی برجسته‌ای است، که گفتیم نمونه‌هایی هم در میدان‌های مختلف دارد. در روزگار ما هم، وقتی ندای مقابله با رژیم منحوس پهلوی از حلقوم امام رضوان الله علیه و همکاران ایشان در سال ۱۳۴۱ بیرون آمد، جهاد شروع شد. پیش از امام هم، البته جهاد به صورت محدود و پراکنده وجود داشت که حائز اهمیت نبود. هنگامی که مبارزه‌ی امام شروع شد، جهاد اهمیت پیدا کرد تا این‌که به مرحله‌ی پیروزی خود، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی رسید.

بیانات در جمع زنان شهر ارومیه / ۱۳۷۵/۰۴/۲۸

امروز معضل بزرگی در ارتباط با قشر زن، نه فقط در ایران ما، بلکه در سراسر جهان وجود دارد. آن معضل این است که نسبت به حقوق و شخصیت بانوان، در بعضی از بخش‌های زندگی، کوتاهی یا تعرض انجام می‌گیرد. یعنی به زنان ظلم می‌شود. بعضی تصور می‌کنند این ویژگی، مخصوص کشورهای شرقی یا اسلامی است. این تصور، اشتباه است. ظلم به زنان، در کشورهای غربی- با همه‌ی ادعاهایی که نسبت به زنان دارند- اگر بیشتر از کشورهای اسلامی و شرقی نباشد، کمتر نیست. آمارهایی مبنی بر آزار زنان در خانواده از طرف مردان- چه شوهر، چه پدر و چه برادر- وجود دارد که من این آمارها را تکان‌دهنده را دیده‌ام. واقعا انسان را دچار تعجب می‌کند! پس، معضلی که به آن اشاره شد، در همه جای دنیا وجود دارد. این معضل، باید حل شود. البته در کشور ما، به هنگام مقدمات پیروزی انقلاب که زنان در میدان‌های عظیم مبارزه‌ی سیاسی حضور پیدا کردند و نقش خودشان را به اثبات رساندند، وضع تا حدود زیادی عوض شد.

بیانات در دانشگاه افسری نیروی زمینی ارتش / ۱۳۷۵/۰۸/۰۶

خدا را سیاست‌گراریم که در مزرع الهی عظیم و بالنده‌ای به وسعت ایران اسلامی، در هر گوشه، به برکت قرآن و تعالیم اسلامی، نهال‌های برومند در حال رویدن و بالیدن است. برکت یک نظام الهی و اسلامی و انسانی و مردمی، در همین است که استعدادها می‌جوشد و شکوفا می‌شود؛ انسان‌ها سرزمین‌های ناشناخته و ناپیموده‌ای از تکامل بشری را طی می‌کنند و جامعه، بتدریج، به سمت کمال پیش می‌رود. همان‌طور که مزارع گیاهی را، سرزمین بااستعداد و باران رحمت حق و تربیت باغبان ماهر، شکوفا می‌کند و رنگین کمانی از میوه‌ها و گل‌ها می‌سازد؛ در مزارع انسانی و بشری هم، یک کشور آزاد و مستقل، با تربیت قرآنی و اسلامی و باران رحمت احکام و معارف نورانی اسلام، همین بالندگی و شکوفایی را پیدا می‌کند. دشمن در مقابل این وضعیت چه می‌تواند بکند؟! دشمنان ایران، دشمنان اسلام و دشمنان جمهوری اسلامی، در مقابل این سنت لایتغیر الهی چه می‌توانند بکنند؟! کدام جنگ نظامی، کدام جنگ تبلیغاتی، کدام جنگ سیاسی و کدام محاصره‌ی اقتصادی، قادر است ملت راه خود یافته‌ای را، از پیشرفت، تحرک و تکامل بازدارد؟! کافی است که ما راه خود را از بن دندان و اعماق جان باور داشته باشیم. و ملت ایران، نشان داده‌اند که باور دارند. دشواری جنگ تحمیلی و دشواری‌های گوناگون این هفده سال، باور ملت ایران را به همه‌ی دنیا نشان داده است. جوانان عزیز این مرزوبوم، خودشان را برای فردایی به مراتب برخوردارتر از عزت و سربلندی امروز، آماده کنند. شما هم آماده باشید که در چنان ایران و چنان فضا و جامعه‌ای، به وظایف بزرگ و خطیر خودتان عمل کنید. خودتان را برای آن روز آماده کنید.

پیام در پی حضور باشکوه مردم در انتخابات ریاست جمهوری / ۱۳۷۶/۰۳/۰۳

ملت عزیز ایران، صحنه‌ی زیبا و پرشوری که در روز جمعه‌ی دوم خرداد و در پای صندوق‌های رای آفریدید، حقیقتاً یک حماسه‌ی تاریخی بود. آگاهی و هوشیاری سیاسی شما یک‌بار دیگر به کمک خداوند، درست در لحظه‌ی مقتضی، کار خود را کرد و از ایران اسلامی چهره‌ای بانشاط، مضمم، و سرشار از ایمان و آگاهی به دنیا نشان داد و بحمد الله کشور را در برابر توطئه‌ی دشمنان و وسوسه‌ی بدخواهان تا مدت‌ها بیمه کرد. شرکت شما در یک مسابقه‌ی سالم و مسنولانه برای انتخاب رئیس‌جمهور، با امنیت و انضباط تمام، و با رعایت بیشتر ملاحظات‌هایی که در چنین حرکت عظیمی با ابعاد یک ملت بزرگ، در دنیا کمیاب و کم‌نظیر است، برای دوست و دشمن ثابت کرد که ملت ما به برکت عمل به اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) در صحنه‌ی جهاد سیاسی نیز مانند صحنه‌ی جهاد نظامی، از انسجام و ابتکار و نظم و قاعده‌ی درست برخوردار است و نفس زهرآگین دشمنان که از ماه‌ها پیش به قصد دل‌سرد کردن مردم، صوری بودن و جدی نبودن انتخابات را با زبان‌های مختلف در همه‌ی تبلیغات فرامرزی خود تکرار می‌کردند، در او کمترین تأثیر را نداشتند. اکنون با حضور بسیار گسترده‌ی شما ملت عزیز در این آزمایش

الهی، و با اختصاص اکثریت قاطع آرا به رئیس‌جمهور منتخب مردم، ایران اسلامی از آزمایشی دیگر، موفق و سرافراز بیرون آمده و دوران تازه‌ای در تاریخ درخشان جمهوری اسلامی آغاز شده است. ملت عزیز ما باید در دل از خداوند متعال شاکر باشد که او را به این حرکت افتخارآمیز هدایت کرد و دشمنان او را ناکام ساخت.

پیام در پی حضور باشکوه مردم در انتخابات ریاست جمهوری / ۱۳۷۶/۰۲/۰۲

شرکت شما در یک مسابقه‌ی سالم و مسوولانه برای انتخاب رئیس‌جمهور، با امنیت و انضباط تمام، و با رعایت بیشتر ملاحظات که در چنین حرکت عظیمی با ابعاد یک ملت بزرگ، در دنیا کمیاب و کم‌نظیر است، برای دوست و دشمن ثابت کرد که ملت ما به برکت عمل به اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در صحنه‌ی جهاد سیاسی نیز مانند صحنه‌ی جهاد نظامی، از انسجام و ابتکار و نظم و قاعده‌ی درست برخوردار است و نفس زهراگین دشمنان که از ماهها پیش به قصد دلسرد کردن مردم، صوری بودن و جدی نبودن انتخابات را با زبانهای مختلف در همه‌ی تبلیغات فرامرزی خود تکرار می‌کردند، در او کمترین تأثیر را نداشتند. اکنون با حضور بسیار گسترده‌ی شما ملت عزیز در این آزمایش الهی، و با اختصاص اکثریت قاطع آرا به رئیس‌جمهور منتخب مردم، ایران اسلامی از آزمایشی دیگر، موفق و سرافراز بیرون آمده و دوران تازه‌ی در تاریخ درخشان جمهوری اسلامی آغاز شده است. ملت عزیز ما باید در دل از خداوند متعال شاکر باشد که او را به این حرکت افتخارآمیز هدایت کرد و دشمنان او را ناکام ساخت.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۶/۱۰/۲۶

برای اینکه مذاکره‌ی با ایران برای امریکا اهمیت دارد، این است که حرکت جمهوری اسلامی و ملت ایران موجب شد که احساسات اسلامی در هر گوشه‌ی دنیا بیدار شود؛ در آسیا، در آفریقا و حتی در اروپا، مسلمانان با نام اسلام، احساسات اسلامی خودشان را سر دست گیرند و مبارزه‌ای را به نحوی شروع کنند. بعضی از این مبارزات، مبارزات سیاسی با دولتهاست. بعضی از این مبارزات، مبارزات اصلاحی است؛ بالاخره مشغول مبارزه هستند. همه‌ی این‌ها، از این قله‌ی جمهوری اسلامی و امام و این ملت، سراریز شده‌اند.

گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان / ۱۳۷۶/۱۱/۱۲

من شاید پانزده یا شانزده سالم بود که مرحوم «نواب صفوی» به مشهد آمد. مرحوم نواب صفوی برای من، خیلی جاذبه داشت و به کلی مرا مجذوب خودش کرد. هرکسی هم که آن وقت در حدود سنین ما بود، مجذوب نواب صفوی می‌شد؛ از بس این آدم، پرشور و بااخلاص، پر از صدق و صفا و ضمنا شجاع و صریح و گویا بود. من می‌توانم بگویم که آنجا به طور جدی به مسائل مبارزاتی و به آنچه که به آن مبارزه سیاسی می‌گوئیم، علاقه‌مند شدم. البته قبل از آن، چیزهایی می‌دانستم. زمان نوجوانی ما با اوقات «مصدق» مصادف بود. من یادم است در سال ۱۳۲۹ وقتی که مصدق تازه روی کار آمده بود و مرحوم «آیت‌الله کاشانی» با او همکاری می‌کردند مرحوم آیت‌الله کاشانی نقش زیادی در توجه مردم به شعارهای سیاسی دکتر مصدق داشتند لذا کسانی را به شهرهای مختلف می‌فرستادند که برای مردم سخنرانی کنند و حرف بزنند. از جمله در مشهد، سخنرانانی می‌آمدند. من دو نفر از آن سخنرانان و سخنرانیهایشان را کاملا یادم است. آنجا با مسائل مصدق آشنا شدیم و بعد، مصدق سقوط کرد.

در سال ۱۳۳۲ که قضیه ۲۸ مرداد پیشامد کرد، من کاملا در جریان سقوط مصدق و حوادث آن روز بودم؛ یعنی من خوب یادم است که اوباش و اراذل، در مجامع حزبی که به دولت دکتر مصدق ارتباط داشتند، ریخته بودند و آنجاها را غارت می‌کردند. این مناظر، کاملا جلو چشمم است! بنابراین من مقوله‌های سیاسی را کاملا می‌شناختم و دیده بودم؛ لیکن به مبارزه سیاسی به معنای حقیقی، از زمان آمدن مرحوم نواب علاقه‌مند شدم. بعد از آنکه مرحوم نواب از مشهد رفت، زیاد طول نکشید که شهید شد. شهادت او هم غوغایی در دل‌های جوانانی که او را دیده و شناخته بودند، به وجود آورده بود. در حقیقت سوابق کار مبارزاتی ما به این دوران برمی‌گردد؛ یعنی به سالهای ۱۳۳۲ و ۳۴ به بعد.

گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان / ۱۳۷۶/۱۱/۱۲

نکته خیلی مهمی که امروز شاید شما واقعا نتوانید آن را درست تصور کنید، این است که آن دوران، مسائل کشور سیاست و دولت مطلقا برای مردم مطرح نبود. امروز مردم ما در کشور، وزرا را می‌شناسند، رئیس‌جمهور را می‌شناسند، آن وقتی که نخست‌وزیر بود، او را می‌شناختند، کارهای عمده را می‌دانند، در مبارزات سیاسی خیلی چیزها را خبر دارند که دولت، امروز چه اقدامی کرده و چه تصمیمی گرفته است؛ ولی آن زمان، دولتها می‌آمدند و می‌رفتند و اصلا مردم نمی‌فهمیدند! یک نخست‌وزیر می‌رفت، یک نخست‌وزیر دیگر می‌آمد، کابینه عوض می‌شد، انتخابات می‌شد و اصلا مردم خبر نمی‌شدند! توجه می‌کنید؟ به کل نسبت به مسائل دولت، بی‌تفاوت بودند. دولت برای خودش کارهایی می‌کرد، مردم راه خودشان را می‌رفتند، دولت راه خودش را می‌رفت، فشار روی مردم، خیلی زیاد بود و آزادی اصلا نبود.

من یادم است که دوستی از دوستان ما از پاکستان آمده بود، برای ما نقل می‌کرد که بله، من در داخل پارک، فلان‌کس را دیدم که اعلامیه‌ای را به فلانی داد؛ من تعجب کردم که مگر در پارک کسی می‌تواند به کسی اعلامیه بدهد! او از تعجب من تعجب کرد و گفت: چرا نشود؟! پارک است دیگر، انسان اعلامیه را درمی‌آورد و به آن طرف می‌دهد. گفتم: چنین چیزی می‌شود؟! این مربوط به دوران مبارزات ما بود که من دوره نوجوانی را هم گذرانده بودم؛ یعنی اختناق در ایران آنقدر زیاد بود که اصلا تصور نمی‌کردیم ممکن است کسی بتواند به زبان صریح، روشن، روز روشن، جلو چشم مردم، حرف سیاسی به کسی یا به دوستی بزند، یا کاغذی را به او بدهد، یا کاغذی را از او بگیرد! از بس فشار و خفقان بود. به کوچک‌ترین سوظن، افراد را می‌گرفتند و به خانه‌های مردم می‌ریختند!

بیانات در دیدار کارگزاران حج / ۱۳۷۶/۱۲/۱۲

آنچه که در حج به نظر می‌رسد از همه‌ی چیزها مهم‌تر است، سه مطلب است:

یکی اینکه ما بتوانیم به مخاطبان خودمان هرکه هستند عظمت و کارآمد بودن و گسترش دامنه‌ی عظیم امت اسلامی از جهات مختلف را تفهیم کنیم. این، وظیفه‌ی اول است. در دنیای اسلام، بحث هزار و میلیون نیست؛ شاید صدها میلیون یا بیش از این‌ها آدم وجود دارد که عظمت و شکوه و کارایی و حجم غیر قابل محاسبه‌ی دنیای اسلام را نمی‌داند؛ لذا خود را ضعیف می‌پندارد و در مقابل همه‌ی استکبار، خویش را تنها و ناتوان احساس می‌کند. باید تفهیم کرد که دنیای اسلام و امت اسلام یعنی چه.

اگر کسی بخواهد عظمت امت اسلام را بفهمد که واقعا نمی‌شود با این توصیفهای ساده تفهیم کرد به جز کوچکی از امت اسلام که ملت ایران است نگاه کند. مگر ما چقدر از امت اسلامیم؟ شما ببینید این بخش از امت اسلام، آن زمان که اراده کرد، تصمیم گرفت و پای تصمیم خود ایستاد، تمام قدرتهای جهانی اینکه دیگر شوخی نیست، این مبالغه که نیست؛ شما که خوب می‌دانید در جنگ نظامی با او مجبور شدند عقب‌نشینی کنند؛ در جنگ سیاسی با او مجبور شدند احساس شکست را بپذیرند؛ در جنگ اقتصادی با او مجبور شدند ناکامی خودشان را تحمل کنند. مگر غیر از این است؟

بیانات در دانشگاه تربیت مدرس / ۱۳۷۷/۰۶/۱۲

چند سال قبل از این حدود چهار، پنج سال پیش در امریکا گروهی پیدا شدند، که خیرش را هم همه‌ی کسانی که اهل روزنامه‌اند، خوانده‌اند. البته بنده همان وقت تفصیلات بیشتری را از آن اطلاع پیدا کردم؛ لیکن همه در روزنامه‌های ما هم نوشتند و گفتند. گروهی پیدا شدند که این‌ها با گرایش مذهبی خاصی علیه حکومت فعلی امریکا زمان همین آقای کلینتون اقدام کردند. علیه آن‌ها مقداری کارهای امنیتی و انتظامی شد، اما فایده‌ای نبخشید. خانه‌ای را که آن‌ها در آن جمع شده

بودند، محاصره کردند و آتش زدند که حدود هشتاد نفر در آتش سوختند! عکسهایش را هم منتشر کردند و همه‌ی دنیا هم دیدند. در میان این هشتاد نفر، زن هم بود، کودک هم بود، شاید یک نفرشان هم نظامی نبود. ببینید؛ آزادی زنده ماندن، آزادی عقیده، آزادی مبارزه‌ی سیاسی، به این حد محدود می‌شود. بنابراین، آزادی در دنیای مادی غرب هم حدود و مرزهایی دارد؛ منتها این مرزها، مرزهای مادی است.

بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب / ۱۳۷۷/۱۲/۱۵

در آسیب‌شناسی انقلاب، باید نقش عوامل درونی و بیرونی، هر دو ملاحظه بشود. البته اینجا دو افراط وجود دارد که من مایلیم ذهن خودم را همواره از هر دو افراط، رها کنم و ذهن مردم را هم برحذر بدارم که دچار این دو افراط نشوند. یکی این که ما عوامل بیرونی را عمده کنیم و از عوامل درونی غافل بمانیم؛ دیگری به‌عکس، عوامل درونی را عمده کنیم و از عوامل بیرونی غافل بمانیم. الآن کسانی هستند که به هر دو این افراطها هم مبتلا هستند؛ هر دو عامل، جدا وجود دارد. اگر انسان نگاه کند، می‌بیند که عوامل بیرونی، دشمنی دشمنان انقلاب از هر دو جهت است.

ببینید، این مهم است که آن روز در دنیا با انقلاب کبیر فرانسه، به آن صورت قدرتی وجود نداشت و ارتباطات، آن‌جور نبود که بخواهد بایستد و مقابله و مبارزه کند؛ ولی بعد که فتوحات ناپلئون شروع شد، انگلیس و دیگران با او مقابله کردند. البته صرافهای انگلیس، مخالف بودند، لردهای خود فرانسه، یا آلمان، یا فلان ملاکین عمده، مخالف بودند؛ اما قدرت سازمان‌یافته‌ی منسجم سیاسی که بنشینند طراحی کند و مبارزه‌ی سیاسی و نظامی و تبلیغاتی و روانی و همه را باهم بکند، اصلا وجود نداشت.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۹/۰۹/۱۲

یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع؛ که حکومت و یا یک قدرت باشد این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تبلی و بی‌عملی و بی‌تعهدی تن ندهد. گاهی انسان عمل هم دارد، اما نسبت به وظایف اصلی تعهد ندارد؛ می‌گوید به ما چه! کج‌رویهای برخاسته از هوس نیز همین‌طور است. انسان به این‌ها نباید تن بدهد. بایستی حتماً با تبلی و بی‌عملی خودش مبارزه کند؛ تلاش و مجاهدت کند و در این راه قبول خطر کند. این یکی از وظایف است. البته این مجاهدت باید مجاهدت فی سبیل الله باشد که آن را در بند بعدی عرض می‌کنم.

پنجمی و آخری، امید به پیروزی در همه‌ی شرایط است؛ به شرط آنکه جهاد فی سبیل الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت فی سبیل الله چیست؟ این است که انسان به سبیل الله ایمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین می‌تواند در راه آن مجاهدت کند.

این‌ها وظایف یک انسان به عنوان یک فرد و وظایف یک مجموعه به عنوان حکومت است. عرض کردم، این‌ها مخصوص دوران قدرت نیست که چون امروز حکومت در دست مجموعه‌ی مومنین بالله و مومنین به اسلام است، ما این وظایف را داریم. آن وقتی هم که قدرت در دست این مجموعه نبود، در دست دشمنانشان بود، در دست طاغوت بود، در دست مفسدین فی الارض بود، همه‌ی این وظایف وجود داشت. بعضی عمل می‌کردند، بعضی عمل نمی‌کردند؛ بعضی بیشتر عمل می‌کردند، بعضی کمتر عمل می‌کردند. این وظایف الآن هم بر عهده‌ی همه‌ی مسلمانان است؛ البته بعضی وظایفشان بیشتر است، بعضی کمتر است. وظیفه‌ی اصلی همه‌ی انبیا و ائمه و اولیا این بوده است که مردم را به همین وظایف آشنا کنند؛ چه در دورانی که می‌توانستند قدرت را کسب کنند بگویند بروید مجاهدت کنید و قدرت را به دست آورید و این‌گونه اداره کنید چه آن وقتی که نمی‌شد قدرت را به دست بیاورند. همه هم تلاش و مبارزه کرده‌اند؛ «و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر». جنگ و مبارزه‌ی سیاسی و معارضه‌ی با دشمنان، چیزی نیست که اول بار در اسلام آمده باشد؛ نه. در زمان پیغمبران گذشته انبیا بزرگ الهی، از زمان ابراهیم به این طرف هم بوده است. شاید قبل از ابراهیم هم بوده که من اطلاعی ندارم. بنابراین، این وظایف، وظایفی است که انبیا ما را به آن سمت می‌کشاند. البته در حکومت حق، در آنجایی که قدرت در دست بندگان خدا مومنین بالله و مومنین به سبیل الله قرار دارد، این وظیفه سنگین‌تر است. چرا؟ چون توانایی شما به عنوان جزئی از مجموعه‌ی حکومت دولت، با توانایی فردی مثل شما در بهترین حالات حکومت طاغوت قابل مقایسه نیست. فرض کنیم در حکومت طاغوت، آن اختناق و آن شدت‌ها و آن گمراهیها و آن اضرار و سبب ارتباط جمعی و ... وجود نداشته باشد؛ امکانات بدهند و معارضه‌ی آن‌چنانی هم نکنند؛ از قدرتشان علیه شما هم استفاده نکنند. وضع کنونی یعنی وضع وجود یک قدرت اسلامی شاید هزار مرتبه از بهترین حالاتی که در حکومت طاغوت ممکن است یک فرد برای ترویج و پیگیری و تحقق آرمان‌های الهی داشته باشد، بهتر باشد. پس بایستی این را قدر دانست.

پیام به کنگره بزرگداشت شهید آیت‌الله سید محمدباقر صدر / ۱۳۷۹/۱۰/۲۹

توفیق و مدد الهی، آمیختگی این فضیلت‌های بزرگ را با رتبه‌ی والای جهاد فی سبیل الله رقم زد. در هنگامی که حوزه‌ی کهن نجف در بوتهدی آزمایش مواجهه با امواج بیداری اسلامی و انقلابی قرار گرفت، این شخصیت بیدار و آگاه قدم در راه مجاهدتی علمی و سیاسی نهاد و درخشش معنوی خود را مضاعف ساخت، بینش عمیق او نیاز زمان را حس کرد و در راهی که اجداد طاهرینش به روی پیروان و جانشینان خود گشوده بودند، گامی استوار نهاد و چه زود پاداش این فداکاری عظیم، یعنی محنت و سپس شهادت در راه خدا را دریافت کرد.

بیانات در دیدار جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش / ۱۳۷۹/۱۱/۱۹

بعضی کسان ترویج می‌کنند که ما دشمن خارجی نداریم! انسان از غفلت بعضی افراد تعجب می‌کند. من به شما عرض کنم، این انقلاب و این کشور و این حرکت عظیم، بزرگترین ضربه را بر منافع چپاولگران و غارتگران بین‌المللی وارد کرده است. اگر این حرف حقیقت دارد که انقلاب اسلامی و نظام اسلامی جلو منافع غارتگرانه‌ی بیگانگان را در این کشور گرفته است که حقیقت دارد و راست است دیگر کدام توضیحی برای اثبات وجود دشمن لازم است؟! معلوم است که دشمن کیست و چه کسی با این نظام مخالف است.

اکثر رسانه‌های دنیا در دست همان غارتگران است. رادیوها و تلویزیون‌ها و مطبوعات و سازمان‌های خبررسانی متعلق به آنهاست. غالباً در بیشتر نقاط عالم، جنگ فرهنگی و سیاسی عظیمی را علیه جمهوری اسلامی شروع کرده‌اند؛ که دنبال این جنگ فرهنگی، جنگ سیاسی همراه با مودگی‌ریهای اقتصادی و فشارهای گوناگون است. اگر کسی این دشمن با این وضوح را نبیند، آیا چنانچه بدخواه نباشد، غافل نیست؟!

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت‌الله آقای حاج سید محمد شیرازی / ۱۳۸۰/۰۹/۲۶

رحلت عالم مجاهد آیت‌الله آقای حاج سید محمد شیرازی رحمه الله علیه را به بیت شامخ و معظم شیرازی و بخصوص به خانواده‌ی محترم و فرزندان مکرم ایشان و نیز به همه‌ی دوستداران و ارادتمندان آن مرحوم بخصوص به حضرات کربلانیهای مقیم ایران صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم. آن عالم بزرگوار سالهای متمادی از عمر خویش را در عراق و ایران صرف جهاد فرهنگی و سیاسی برای اعلا‌ی کلمه‌ی اسلام و ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نموده و زحمات فراوانی تحمل کردند. تالیفات متعدد ایشان در علوم اسلامی و مبارزه با صهیونیسم و استکبار، متضمن مجموعه‌ی بزرگی از معارف دینی و سیاسی است و سعی مشکور و مجاهدت مقبولی در درگاه خداوند متعال است. ان شا الله.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۸۱/۱۱/۱۸

نسیم بیداری اسلامی در همه جای جهان اسلام وزیده و پا نهادن اسلام به عرصه عمل، به مطالبه ای جدی بدل شده است. نظریه «اسلام سیاسی» جایگاهی والا در ذهن نخبگان یافته و در مد نگاه آنان، افقی روشن و امیدبخش گشوده است. با افول اندیشه‌های وارداتی و پرچنجال، همچون سوسیالیسم و مارکسیسم و به خصوص با دریده شدن پرده ریا و فریب از روی دموکراسی لیبرال غرب، سیمای عدالتخواه و آزادی‌بخش اسلام، از همیشه آشکارتر گشته و بی‌رقیب، در صدر آرزوهای عدالتخواهان و آزادی‌طلبان و نخبگان و اندیشمندان نشسته است. جوانان و جوانمردان بسیاری در کشورهای مسلمان به نام اسلام و در آرزوی حکومت عدل اسلامی به جهاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی روی آورده‌اند و عزم ایستادگی در برابر تحمیل و سلطه بیگانگان مستکبر را در جوامع خود گسترش می‌دهند.

در مناطقی از دنیای اسلام که نقطه اوج آن کشور مظلوم فلسطین است، مردان و زنان بی‌شماری با بذل جان در زیر پرچم اسلام و با شعار استقلال و عزت و آزادی، حماسه‌ای دایمی و همه روزه پدید آورده و قدرت‌های مادی مستکبر را در برابر دلیری خود، زبون ساخته‌اند.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۸۱/۱۱/۱۸

پس از گذشت سالهای متمادی ملت‌های مسلمان به خود آمدند و نهضت بیداری مسلمانان و پرچم‌های حق‌طلبی و آزادی‌خواهی در سراسر جهان اسلام، افق‌های نویدبخشی را در برابر آنان گشود و در نهایت، پیروزی اسلام در ایران و برپا شدن نظام جمهوری اسلامی، آغاز دوران نوینی را برای جهان اسلام اعلام کرد. بدیهی است که کانون‌های زر و زور جهان به آسانی تسلیم حق نمی‌شوند و ملت‌های مسلمان، راهی دراز و دشوار ولی مبارک و خوش‌عاقبت در پیش رو دارند. روندگان این راه اگر استقامت بورزند خود و نسل‌های پس از خود را از ذلت عقب‌ماندگی و اسارت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی رها خواهند ساخت و طعم گوارای زندگی در سایه‌ی اسلام را خواهند چشید.

این راه، راه مجاهدت علمی، مجاهدت سیاسی و دفاع قدرت‌مندانه از حق روشن است. در این میدان، مسلمانان مدافع شرف و عزت و حقوق پامال‌شده‌ی خویشند. انصاف و وجدان بشری، قاضی آگاه و بی‌گذشتی است که این مجاهدت مظلومانه را تأیید می‌کند و سنت الهی، پیروزی حتمی آنان را نوید می‌دهد؛ اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر ..

پیام نوروزی به مناسبت حلول سال ۱۳۸۲ / ۱۳۸۲/۰۱/۰۱

همت کنید و عزم و اراده‌ی خود را تقویت نمایید. در میدان‌های گوناگون، شجاعانه خود را مهیا کنید و آماده باشید. ممکن است ما هرگز جنگ نظامی نداشته باشیم؛ اما یقیناً جنگ سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه فرهنگی خواهیم داشت. در اینجا من مجدداً به مسئولین توصیه می‌کنم که حسابها را طوری تنظیم و برنامه‌ها را طوری تدبیر کنند که جوانان کشور ما مزه‌ی شیرین مبارزه با فساد و تلاش برای خدمت‌رسانی را بچشند و احساس کنند. دعا می‌کنم که خدای متعال به مسئولین این توفیق را بدهد و به ملت عزیز ما سرافرازی، کامیابی، سعادت و عزت عطا فرماید و توجهات حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه و دعای مستجاب آن حضرت را شامل حال ملت عزیز ما قرار دهد.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۸۲/۱۱/۰۸

نسیم بیداری اسلامی در همه جای جهان اسلام وزیده و پا نهادن اسلام به عرصه عمل، به مطالبه ای جدی بدل شده است. نظریه «اسلام سیاسی» جایگاهی والا در ذهن نخبگان یافته و در مد نگاه آنان، افقی روشن و امیدبخش گشوده است. با افول اندیشه‌های وارداتی و پرچنجال، همچون سوسیالیسم و مارکسیسم و به خصوص با دریده شدن پرده ریا و فریب از روی دموکراسی لیبرال غرب، سیمای عدالتخواه و آزادی‌بخش اسلام، از همیشه آشکارتر گشته و بی‌رقیب، در صدر آرزوهای عدالتخواهان و آزادی‌طلبان و نخبگان و اندیشمندان نشسته است. جوانان و جوانمردان بسیاری در کشورهای مسلمان به نام اسلام و در آرزوی حکومت عدل اسلامی به جهاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی روی آورده‌اند و عزم ایستادگی در برابر تحمیل و سلطه بیگانگان مستکبر را در جوامع خود گسترش می‌دهند. در مناطقی از دنیای اسلام که نقطه اوج آن کشور مظلوم فلسطین است، مردان و زنان بی‌شماری با بذل جان در زیر پرچم اسلام و با شعار استقلال و عزت و آزادی، حماسه ای دایمی و همه روزه پدید آورده و قدرت‌های مادی مستکبر را در برابر دلیری خود، زبون ساخته‌اند. آری، بیداری اسلامی، محاسبات استکباری را به هم ریخته و معادلات جهانی مطلوب مستکبران را تغییر داده است.

بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۸۲/۰۲/۱۲

مکتب سیاسی امام دارای شاخصه‌هایی است. من امروز چند خط از خطوط برجسته‌ی این مکتب را در اینجا بیان می‌کنم. یکی از این خطوط این است که در مکتب سیاسی امام، معنویت با سیاست در هم تنیده است. در مکتب سیاسی امام، معنویت از سیاست جدا نیست؛ سیاست و عرفان، سیاست و اخلاق. امام که تجسم مکتب سیاسی خود بود، سیاست و معنویت را باهم داشت و همین را دنبال می‌کرد؛ حتی در مبارزات سیاسی، کانون اصلی در رفتار امام، معنویت او بود. همه‌ی رفتارها و همه‌ی مواضع امام حول محور خدا و معنویت دور می‌زد. امام به اراده‌ی تشریحی پروردگار اعتقاد و به اراده‌ی تکوینی او اعتماد داشت و می‌دانست کسی که در راه تحقق شریعت الهی حرکت می‌کند، قوانین و سنت‌های آفرینش کمک‌کار اوست. او معتقد بود که: «و لله جنود السماوات و الارض و کان الله عزیزاً حکیماً». امام قوانین شریعت را بستر حرکت خود می‌دانست و علائم راهنمای حرکت خود به‌شمار می‌آورد. حرکت امام برای سعادت کشور و ملت، بر مبنای هدایت شریعت اسلامی بود؛ لذا «تکلیف الهی» برای امام کلید سعادت به حساب می‌آمد و او را به هدف‌های بزرگ آرمانی خود می‌رساند. اینکه از قول امام معروف است و همه می‌دانیم که گفته بودند «ما برای تکلیف عمل می‌کنیم، نه برای پیروزی»، به معنای بی‌رغبتی ایشان به پیروزی نبود. بدون تردید پیروزی در همه‌ی هدف‌های بزرگ، آرزوی امام بود. پیروزی جزو نعمتهای خداست و امام به پیروزی علاقه‌مند بود- نه اینکه علاقه‌مند نبود یا بی‌رغبت بود- اما آنچه او را به سوی آن هدف‌ها پیش می‌برد، تکلیف و عمل به وظیفه‌ی الهی بود؛ برای خدا حرکت کردن بود. چون انگیزه‌ی او این بود، لذا نمی‌ترسید؛ شک نمی‌کرد؛ مایوس نمی‌شد؛ مغرور نمی‌شد؛ متزلزل و خسته هم نمی‌شد. این‌ها خاصیت عمل به تکلیف و عمل برای خداست. کسی که برای تکلیف عمل می‌کند، دچار تردید و تزلزل نمی‌شود؛ ترسیده و خسته نمی‌شود؛ از راه بر نمی‌گردد و مصلحت‌اندیشی‌های شخصی، تعیین‌کننده‌ی راه و جهت‌گیری او نمی‌شود. کسی که سیاست را با عرفان جمع می‌کند و معنویت را با حرکت سیاسی، یکجا در برنامه زندگی خود قرار می‌دهد، برای او ترس از مرگ معنا ندارد؛ ترس از شکست هم معنا ندارد. این درست نقطه‌ی مقابل سیاست کهنه شده و ازمدافنده‌ی غربی است که به‌دروغ آن را سیاست مدرن می‌گویند؛ یعنی تفکیک دین از سیاست، و تفکیک دولت از معنویت.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۲/۰۸/۲۰

جهاد یعنی مبارزه. در زبان فارسی، جنگ و ستیزه‌گری معنای مبارزه را نمی‌دهد. می‌گوییم من دارم مبارزه می‌کنم؛ مبارزه‌ی علمی می‌کنم، مبارزه‌ی اجتماعی می‌کنم، مبارزه‌ی سیاسی می‌کنم، مبارزه‌ی مسلحانه می‌کنم؛ همه‌ی این‌ها مبارزه است و معنا دارد. مبارزه یعنی تلاش بر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن. اگر هیچ مانعی در مقابل انسان نباشد، مبارزه وجود ندارد. در جاده‌ی آسفالت، انسان پایش را روی گاز بگذارد و با باک پر از بنزین سفر کند؛ این را مبارزه

نمی‌گویند. مبارزه آنجایی است که انسان با مانعی برخورد کند، که این مانع در جبهه‌های انسانی، می‌شود دشمن؛ و در جبهه‌های طبیعی، می‌شود موانع طبیعی. اگر انسان با این موانع درگیر شود و سعی کند آن‌ها را از میان بردارد، این می‌شود مبارزه. جهاد در زبان عربی عینا به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه جا به معنای جنگ مسلحانه نیست، البته یک جا با جنگ مسلحانه تطبیق می‌کند، یک جا هم با جنگ غیر مسلحانه تطبیق می‌کند.

بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان در آستانه ماه محرم / ۱۳۸۴/۱۱/۰۵

در محرم سال ۴۲، امام بزرگوار ما از این ممشا استفاده کرد و آن حادثه‌ی عظیم پانزده خرداد به وجود آمد. در محرم سال ۱۳۵۷ هم امام عزیز ما باز از همین حادثه الهام گرفت و گفت: «خون بر شمشیر پیروز است» و آن حادثه‌ی تاریخی بی‌نظیر- یعنی انقلاب اسلامی- پدید آمد. این، مال زمان خود ماست؛ جلوی چشم خود ماست؛ ولی در طول تاریخ هم این پرچم برای ملت‌ها پرچم فتح و ظفر بوده است و در آینده هم باید همین‌طور باشد و همین‌طور خواهد بود. این بخش «منطق»، که عقلانی است و استدلال در آن هست. بنابراین، صرف یک نگاه عاطفی، حرکت امام حسین را تفسیر نمی‌کند و بر تحلیل جوانب این مسئله قادر نیست. عنصر دوم، حماسه است؛ یعنی این مجاهدتی که باید انجام بگیرد، باید با عزت اسلامی انجام بگیرد؛ چون «الغز لله و لرسوله و للمؤمنین». مسلمان در راه همین حرکت و این مجاهدت هم، بایستی از عزت خود و اسلام حفاظت کند. در اوج مظلومیت، چهره را که نگاه می‌کنی، یک چهره‌ی حماسی و عزتمند است. اگر به مبارزات سیاسی، نظامی گوناگون تاریخ معاصر خودمان نگاه کنید، حتی آن‌هایی که تفنگ گرفته‌اند و به جنگ رویاری جسمی اقدام کرده‌اند، می‌بینید که گاهی اوقات خودشان را ذلیل کردند؛ اما در منطق عاشورا، این مسئله وجود ندارد؛ همان جایی هم که حسین بن علی (علیه‌السلام) یک شب را مهلت می‌گیرد، عزتمندانه مهلت می‌گیرد؛ همان جایی هم که می‌گوید: «هل من ناصر»- استنصار می‌کند- از موضع عزت و اقتدار است؛ آن جایی که در بین راه مدینه تا کوفه با آدم‌های گوناگون برخورد می‌کند و با آن‌ها حرف می‌زند و از بعضی از آن‌ها یاری می‌گیرد، از موضع ضعف و ناتوانی نیست؛ این هم یک عنصر برجسته‌ی دیگر است. این عنصر در همه‌ی مجاهداتی که رهروان عاشورایی در برنامه‌ی خود می‌گنجانند، باید دیده شود. همه‌ی اقدام‌های مجاهدت‌آمیز- چه سیاسی، چه تبلیغی، چه آنجایی که جای فداکاری جانی است- باید از موضع عزت باشد. در روز عاشورا در مدرسه‌ی فیضیه، چهره‌ی امام را نگاه کنید؛ یک روحانی‌ای که نه سرباز مسلح دارد و نه یک فشنگ در همه‌ی موجودی خود دارد، آن‌چنان با عزت حرف می‌زند که سنگینی عزت او، زانوی دشمن را خم می‌کند؛ این موضع عزت است. امام در همه‌ی احوال همین‌طور بود؛ تنها، بی‌کس، بدون عده و عده، اما عزیز؛ این چهره‌ی امام بزرگوار ما بود. خدا را شکر کنیم که ما در زمانی قرار گرفتیم که یک نمونه‌ی عینی از آنچه را که بارها و سال‌ها گفته‌ایم و خوانده‌ایم و شنیده‌ایم، جلوی چشم ما قرار داد و به چشم خودمان او را دیدیم؛ و او، امام بزرگوار ما بود.

بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها / ۱۳۸۶/۰۲/۲۱

مگر مجموعه‌ی بسیجی- آن هم بسیجی انقلاب و دانشجوی انقلاب- می‌تواند نسبت به مسائل سیاسی کشور بی‌تفاوت یا بدون موضع و بدون نظر باشد؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟! من، شما دانشجوی‌های بسیجی را توصیه می‌کنم به این که محافظه‌کار نشوید و همواره دانشجوی و بسیجی- به همان معنای مثبت و پرخون و پرتیش- باقی بمانید. البته دنباله‌ی این که می‌گوئیم «محافظه‌کار نشوید» این است که «ولی هوشیار هم باشید». کاملا هوشیار باشید. شعار می‌دهید: دانشجوی بیدار است! بله، همین توقع هست؛ من می‌خواهم به شما عرض بکنم: بیدار باشید. بیداری دانشجوی هم فقط بیزاری از امریکا نیست، امریکا چیست؟ امریکا به معنای یک منطقه‌ی جغرافیایی یا یک ملت مطرح است؟ یا نه، به عنوان یک حجم و هویت سیاسی، امنیتی، تشکیلاتی، فرهنگی که به چشم دیده نمی‌شود؟ آن هم تشکیلاتی با پشتوانه‌ی عظیم مالی و تجربه‌ی فراوان در کار تبلیغات و جنگ روانی، بیزاری از این، بیداری مضاعف لازم دارد. مثل بیداری در میدان جنگ نظامی نیست که شما اگر در سنگر بیدار باشید، به مجردی که دشمن کوچک‌ترین تحرکی نشان داد، او را هدف قرار بدهید. در جنگ فرهنگی، در جنگ سیاسی، در جنگ امنیتی، تحرک دشمن را درست نمی‌توان دید. گاهی اوقات، دشمن کار را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که حرف حقی، از زبان یک نفر صادر بشود! دشمن ناحق و باطل است، پس چرا می‌خواهد این حرف حق از زبان آن شخص صادر بشود؟ چون می‌خواهد پازل خودش را کامل کند. این پازل از صد یا دویست قطعه تشکیل شده؛ یک قطعه‌اش هم همین حرف حقی است که آن شخص باید بزند تا این پازل را کامل کند! اینجا این حرف حق را نباید زد. پازل دشمن را کامل نباید کرد. در این حد هوشیاری لازم است؛ بله، وارد سیاست بشوید و فکر سیاسی کنید؛ اما بسیار هوشیار، دشمن نباید بتواند از هیچ حرکت و اظهار و موضع‌گیری شما استفاده کند. این، اصل اول و یک خط قرمز است.

بیانات در دیدار اعضای هیات دولت و مدیران اجرایی کشور / ۱۳۸۶/۰۴/۰۹

امروز امریکا در دنیای اسلام به‌شدت منفور است؛ اینکه دیگر جای انکار نیست. این نفرت هم البته دلالی دارد و بیخود یک دولت و یک رژیم در نظر ملت‌ها منفور نمی‌شود. در بین فلسطینی‌ها منفور است، علتش روشن است؛ بین لبنانی‌ها منفور است، علتش روشن است؛ بین عراقی‌ها منفور است، علتش روشن است؛ بین ملت‌های گوناگون مسلمان دیگر معلوم منفور است، علتش روشن است؛ چون دائم به اسلام، به مسلمین، به ارزش‌های اسلامی اهانت می‌کنند؛ از اهانت‌کنندگان به اسلام حمایت می‌کنند؛ حقوق ملت‌های مسلمان را زیر پا له می‌کنند. خوب، نتیجه این نفرت چه می‌شود؟ نتیجه‌اش این می‌شود که امریکا با همه‌ی لشکرکشی سنگین و برهیا‌هوش در عراق، پا در گل می‌ماند و شکست می‌خورد. امروز دیگر ما نیستیم که می‌گوئیم امریکا در عراق شکست خورد؛ قضاوت همه است؛ قضاوت خود آمریکائی‌ها و نخبگان سیاسی امریکا هم همین است. خوب، چرا شکست می‌خورد؟ چون منفور مردم است؛ چون مردم از او بدشان می‌آید. نفرت مردم از امریکا موجب می‌شود که با او همکاری نکنند و هر جا هم می‌توانند، ضربه‌ای به او بزنند. امریکایی‌ها می‌آیند صورت مسئله را عوض می‌کنند و می‌گویند ایران در عراق، در مقابل امریکاست. بله، ایران از شما متنفر است؛ در این شکی نیست؛ دولت و ملت ایران از شما متنفرند؛ این روشن است؛ اما قضیه‌ی عراق، قضیه‌ی ملت عراق است.

در فلسطین، تیرشان به سنگ می‌خورد، ناکام می‌مانند، نقشه‌هایشان خراب می‌شود، طرف‌دارانشان مغلوب می‌شوند، نیروی طرف‌دار حق فلسطینی غلبه و قدرت پیدا می‌کند، این‌ها عصبانی می‌شوند و می‌گویند دست ایران اینجا در کار است! ایران آمد در غزه، اسرائیل را محاصره کرد! خوب بیچاره‌ها، چرا واقعیت را ندیده می‌گیرید؟! چرا به ملت فلسطین اهانت می‌کنید؟ ما اگر بتوانیم ضربه‌ی سیاسی به امریکا و اسرائیل بزنیم، حتما می‌زنیم. اما قضیه غزه و فلسطین، قضیه‌ی مردم فلسطین است. فلسطینی‌ها از امریکا متنفرند؛ با اسرائیل از بن دندان و از اعماق دل دشمنند؛ حق هم دارند، خانه‌شان را تصرف کرده‌اند. این حقیقت را انسان نبیند و بیخود به این در و آن در بزند. در لبنان همین‌جور؛ در افغانستان یک‌جور دیگر؛ در پاکستان یک‌جور دیگر. ببینید این نفهمیدن و به این در و آن در زدن و به جفنگ‌گونی افتادن مسئولان بلندپایه‌ی یک قدرت بزرگ سیاسی و نظامی جهان و نشناختن موضوع، نشانه‌ی این است که در فهمشان و در جهت‌گیریشان دچار ادبارند؛ مغلوب حقیقی‌اند؛ چون غیر از عرصه‌ی جنگ سیاسی و جنگ نظامی، یک عرصه‌ی دیگری وجود دارد در جنگ، به نام عرصه‌ی اعتقادی و ایمانی و عرصه‌ی باورها. آن‌ها در باورهای خودشان مغلوبند. طرف مقابلشان حق دارد، حقیقت را می‌بیند، باورهای روشنی دارد؛ اما آن‌ها این باورهای روشن را ندارند و ناگزیرند عرصه‌ها را مخلوط کنند؛ موضوعات را به هم وصل کنند.

بیانات در بازدید از پژوهشکده‌ی رویان / ۱۳۸۶/۰۴/۲۵

جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست؛ جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما. مبارزه انواع و اقسامی دارد؛ مبارزه علمی داریم، مبارزه مطبوعاتی داریم، مبارزه سیاسی داریم، مبارزه اقتصادی داریم، مبارزه نظامی داریم، مبارزه آشکار داریم، مبارزه پنهان داریم؛ اما یک نقطه‌ی مشترک در همه‌ی این‌ها وجود دارد و آن اینکه در مقابل یک خصم است؛ در مقابل یک

مانع است. مبارزه با دوست معنی ندارد؛ مبارزه در مقابل یک دشمن است. فرض کنید در دوران اختناق، کسی هر هفته مثلا پنج‌تا کتاب می‌خواند؛ خیلی کار بود؛ اما لزوما مبارزه نبود؛ جهد بود، جهاد نبود. اگر می‌خواست جهاد باشد، باید کتابی را می‌خواند که در حرکت او در مواجهه با رژیم طاغوت و رژیم اختناق، تاثیر داشت؛ آنوقت می‌شد جهاد. خاصیت جهاد این است.

بیانات در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (ع) / ۱۳۸۶/۰۵/۲۸

باید دانست که رحمت الهی و کمک الهی بستگی دارد به حرکت و تلاش انسان مومن؛ به عمل صالح او. باید در میدان باشیم، باید احساس وظیفه را فراموش نکنیم؛ مجاهدت را فراموش نکنیم؛ جهاد در صحنه‌های مختلف، وظیفه‌ی ماست و ضامن پیشرفت و پیروزی ماست. در صحنه‌ی سیاسی هم جهاد هست، در صحنه‌ی فرهنگی هم جهاد هست، در صحنه‌ی تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست، در صحنه‌های اجتماعی هم جهاد هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه‌ی جهادند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۶/۰۶/۲۱

در همه‌ی میدانهای جنگ- هم میدان جنگ نظامی، هم میدان جنگ سیاسی، هم میدان جنگ اقتصادی، هم میدان جنگ تبلیغاتی- ذکر خدا کنید که این ذکر خدا موجب فلاح و کامیابی شماست. ذکر خدا پشتوانه‌ی ثبات قدم است.

بیانات در دیدار مردم شیراز / ۱۳۸۷/۰۲/۱۱

علمای مبارزی که از این استان به تاریخ دانش دین در کشور معرفی شدند، در کمتر نقطه‌ای از نقاط ایران نظیر دارند. میرزای شیرازی را که همه می‌شناسند. مرحوم سید علی اکبر فال‌اسیری- عالم بزرگ- که در همین شهر شیراز قیام کرد و با نفوذ انگلیس‌ها و نفوذ خارجیها مخالفت کرد، بعد هم آمدند و او را گرفتند و تبعید کردند؛ لکن اثر کار او ماند. نوشته‌اند که سید علی اکبر فال‌اسیری در نزدیک حافظیه- شاید در همین نقطه‌ی که الان شما حضور دارید- مشغول زیارت عاشورا بود که ریختند و او را گرفتند و تبعید کردند. میرزای دوم- میرزا محمد تقی شیرازی- که در سالهای بعد از جنگ جهانی اول، رهبر مبارزه‌ی ملت عراق در مقابل تهاجم انگلیس‌ها و اشغال انگلیس‌ها بود. مرحوم سید عبد الحسین لاری چهره‌ی برجسته و ممتازی بود که در حدود صد سال قبل، در همین استان و به کمک عشایر عبور و دلیر استان فارس، مبارزات خودش را شروع کرد؛ با سلطه‌ی انگلیس‌ها مبارزه کرد؛ برای استقرار نظام قانونی و مشروطیت مبارزه کرد؛ برای تشکیل حکومت اسلامی مبارزه کرد. روحانیت استان از این نمونه‌ها بسیار دارد که همه هم به کمک مردم مومن و عبور استان فارس- چه عشایر و چه مردم شهرها و چه بخصوص شهر شیراز- مستظهر بوده‌اند. مرحوم سید نور الدین حسینی، در همین شهر شیراز عضو سفارت بیگانه را- که به مقدسات مردم اهانت کرده بود- خواباند و با دست خودش به او شلاق زد و حد الهی را جاری کرد و با دستگاه جبار، با شجاعت تمام به مبارزه‌ی سیاسی و اجتماعی برخاست. بعد هم در دوران شروع مبارزات روحانیت، مرحوم آیت‌الله شهید دستغیب و مرحوم آیت‌الله محلاتی و دیگر علما، مسجد جامع عتیق شیراز را مرکز مبارزات خودشان قرار دادند و آوازه‌ی مبارزات علمای شیراز و سخنرانیهای مرحوم آیت‌الله دستغیب- به عنوان سخنگوی آن روحانیت- در همان روزها در اکناف ایران منتشر شد. بنده خودم در آن وقت در قم بودم، نوار سخنرانی مرحوم شهید دستغیب دست به دست میان طلاب می‌گشت؛ ما هم آن وقت شنیدیم. این موضع روحانیت مبارز شیراز بود که با پشتیبانی مردم هم همراه بود.

بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید فطر / ۱۳۸۷/۰۷/۱۰

امروز دنیای اسلام افق روشنی در مقابل خود مشاهده می‌کند. دشمنان بزرگ و مستکبران گردن‌کلفت عالم که همه‌ی دنیا در اختیار آنها هست، امروز در مقابل خیزش امتهای مسلمان و بیداری ملت‌های مسلمان احساس ناتوانی می‌کنند؛ راه بر روی آنها بسته است و این نشان‌دهنده‌ی وعده‌ی الهی است که فرمود: «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز». و فرمود: «و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین». این‌ها وعده‌ی الهی است. و فرمود: «و الله غالب علی امره». این وعده‌های الهی به برکت بیداری و حرکت مسلمانها بتدریج خود را نشان می‌دهد.

یک جهاد بزرگ در مقابل ملت مسلمان است. این جهاد لزوما جهاد نظامی نیست؛ جهاد سیاسی است، جهاد فکری است، جهاد علمی است، جهاد اجتماعی است، جهاد اخلاقی است. و امت بزرگ اسلام بتدریج با ابعاد گوناگون این جهاد آشنا شده است و آشنا می‌شود. امروز شما نگاه کنید به صحنه‌ی منطقه‌ی بسیار حساس خاورمیانه، همین پیشرفت امت اسلامی را می‌بینید. مسئله‌ی فلسطین که یک مسئله‌ی غم‌انگیز برای دنیای اسلام بود، امروز با اینکه وحشیگری صهیونیستها نسبت به فلسطینیان چند برابر شده است، در عین حال امید را شما در ناصیه‌ی ملت فلسطین مشاهده می‌کنید.

بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت عید فطر / ۱۳۸۷/۰۷/۱۰

امروز دنیای اسلام افق روشنی در مقابل خود مشاهده میکند. دشمنان بزرگ و مستکبران گردن‌کلفت عالم که همه‌ی دنیا در اختیار آنها هست، امروز در مقابل خیزش امتهای مسلمان و بیداری ملت‌های مسلمان احساس ناتوانی می‌کنند؛ راه بر روی آنها بسته است و این نشان‌دهنده‌ی وعده‌ی الهی است که فرمود: «و لینصرن الله من ینصره ان الله لقوی عزیز». (۱) و فرمود: «و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین». (۲) اینها وعده‌ی الهی است. و فرمود: «و الله غالب علی امره». (۳) این وعده‌های الهی به برکت بیداری و حرکت مسلمانها بتدریج خود را نشان میدهد.

یک جهاد بزرگ در مقابل ملت مسلمان است. این جهاد لزوما جهاد نظامی نیست؛ جهاد سیاسی است، جهاد فکری است، جهاد علمی است، جهاد اجتماعی است، جهاد اخلاقی است. و امت بزرگ اسلام بتدریج با ابعاد گوناگون این جهاد آشنا شده است و آشنا میشود. امروز شما نگاه کنید به صحنه‌ی منطقه‌ی بسیار حساس خاورمیانه، همین پیشرفت امت اسلامی را می‌بینید.

دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن / ۱۳۸۸/۱۱/۰۶

انقلاب اسلامی با آن عظمت پیروز شد. مردم آمدند با تن‌های خودشان، با جسمهای بی‌پناه و بی‌زره خودشان در مقابل سلاح عوامل رژیم جبار ایستادند و انقلاب را پیروز کردند؛ بعد همین مردم آمدند به جمهوری اسلامی رای دادند و جمهوری اسلامی را انتخاب کردند. خوب، یک انسان باانصاف و باشرف، در مقابل این خواست مردم چه می‌کند؟ بعضی‌ها آمدند وسط میدان، ادعای طرفداری از مردم کردند، خودشان را دموکراتیک خواندند، خودشان را طرفدار خلق معرفی کردند؛ آن وقت با همین خلقی که این نظام را با این بهای سنگین سر کار آورده بودند، شروع کردند به مقابله کردن. توشان منافی بود، کافر صریح بود، طرفدار غرب بود، متظاهر به دین هم بود؛ همه‌ی این‌ها باهم شدند یک جبهه، یک حرکت، در مقابل نظام اسلامی، در مقابل ملت ایران. ادعای طرفداری از مردم کردند، با مردم درافتادند؛ ادعای طرفداری از دموکراسی و آرا مردم کردند، با آرا مردم و نتیجه‌ی آرا مردم درافتادند؛ ادعای روشن‌فکری و آزاداندیشی و آزادفکری کردند، به طور متحجرانه چهارجوبه‌های الفانی متفکرین غربی را- که آمیخته‌ی به بدخواهی و بددلی بود- قبول کردند؛ آمدند مقابل ملت ایران. اول با حرفهای روشن‌فکرانه یا شبه روشن‌فکرانه شروع کردند به امام و به جمهوری اسلامی و به مبانی امام اعتراض کردن، انتقاد کردن، حرف زدن؛ بعد یواش‌یواش رودربایستی را کنار گذاشتند، آمدند توی میدان، مبارزه‌ی فکری را، مبارزه‌ی سیاسی را تبدیل کردند به مبارزه‌ی مسلحانه یا اغتشاشگری- این‌ها توی کشور ما اتفاق افتاد؛ مال تاریخ نیست، مال همین دهه‌ی اول انقلاب است- شروع کردند مزاحمت کردن. به جای اینکه بنشینند فکر کنند، ببینند مشکلات کشور چیست- این همه مشکلات متوجه کشور ما

بود؛ مقداری از گذشته مانده بود، مقداری را تحمیل می‌کردند- به حل این مشکلات کمک کنند، به مسئولین کمک کنند، اگر به نظرشان می‌رسد که باید راهنمایی کنند، راهنمایی کنند، اگر زیر یک باری را باید بگیرند، به جای اینکه بگیرند، افتادند سینه به سینه شدن، معارضه کردن، بدگویی کردن؛ بعد هم هر جا توانستند، با مردم مواجه شدن، در بخش‌های مختلف، کشور در مرزها درگیر جنگ بود، به جنگ هم بی‌اعتنائی کردند؛ داخل همین خیابانهای تهران، سر هر چهارراهی که توانستند، سر هر گذری که دستشان رسید، بنا کردند با جمهوری اسلامی و با نظام مقابله کردن.

بیانات در منطقه عملیاتی فتح‌المبین / ۱۳۸۹/۰۱/۱۱

امروز هم در میدان علم، میدان سیاست، میدان تلاش و کار، میدان همبستگی ملی و میدان بصیرت، شما جوانها پایمردی خودتان را نشان دادید، ایستادگی خودتان را اثبات کردید. گاهی اوقات جنگ نظامی آسانتر از جنگ فکری است؛ آسانتر از جنگ در عرصه‌های سیاسی است. ملت ایران نشان داد که در جنگ عرصه‌های سیاسی و امنیتی، بصیرت و ایستادگی‌اش از ایستادگی در جنگ نظامی کمتر نیست. لذا جوانهای ما بحمدالله جوانهای لایق، ساخته و پرداخته‌ای هستند که باید به این مقدار هم اکتفا نکنند؛ همت مضاعف، کار مضاعف. همتان را بلند کنید. ملت ایران باید عقب‌افتادگی‌های دورانهای طولانی استبداد در این کشور و دخالت خارجی و نفوذ خارجی را جبران کند. بنده اطمینان راسخ دارم به اینکه جوان امروز کشور عزیز ما در سطح عالم، کم‌نظیر یا بی‌نظیر است. و این، نوید آینده کشور است. ان‌شاءالله شما جوانها آن روزی را خواهید دید که کشورتان از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی، از لحاظ نفوذ بین‌المللی، در سطحی باشد که شایسته‌ی ایران اسلامی و شایسته‌ی ملت بزرگ ایران است.

بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه / ۱۳۹۰/۰۱/۰۸

من امسال را «سال جهاد اقتصادی» اعلام کرده‌ام. این معنایش این است که ملت ایران در این برهه‌ی از زمان، جهادش به طور عمده در عرصه‌ی اقتصاد است. امروز ما آمدم این منطقه را از نزدیک بازدید کردیم. این منطقه، یک منطقه‌ی اقتصادی است که متکی است به تولید؛ و برای اقتصاد یک کشور، مهمترین بخشی که میتواند یک شکوفائی پایدار را به وجود بیاورد، تولید است؛ بخصوص آن بخش اقتصاد تولیدی‌ای که متکی است به دانش، متکی است به علم؛ اینجا اینجور است؛ هم اقتصادی است، هم تولیدی است، هم علمی است؛ دانش‌بنیان است. این، شایسته‌ی ملت ایران است. اگر یک روز مردم این منطقه و مردم بخش‌های مختلف کشور در مقابل زورگویی و بررونی و زیاده‌طلبی دولتهای غارتگر و متجاوز، آنجور باید می‌ایستادند، امروز در مقابل آن قدرتها شکل ایستادگی پیچیده‌تر است، حساس‌تر است، متنوع‌تر است؛ احتیاج دارد به یک مجاهدت پیچیده و عمیق.

خوشبختانه ملت ما با فرهنگ مجاهدت آشناست. ما از مجاهدت، بیگانه نیستیم. ملت ما در میدانهای جهاد؛ هم جهاد نظامی، در دوران هشت سال دفاع مقدس؛ هم جهاد سیاسی، در طول این مدت؛ هم جهاد اقتصادی و علمی، یک ملت امتحان‌داده است. ما آشنا هستیم با جهاد. این جهادی که امروز باید انجام دهیم - جهاد اقتصادی - از جهادهایی که تا امروز ملت ایران انجام داده، مشکلت‌ر نیست؛ اما باید بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید میعت / ۱۳۹۰/۰۴/۰۹

بشریت اگر ببیندش و انصاف را رعایت کند، تصدیق خواهد کرد که نجات بشر و حرکت بشر به سوی کمال، به برکت اسلام ممکن خواهد شد و لاغیر. ما مسلمانها قدرناشناسی کردیم؛ ما نمک خوردیم و نمکدان را شکستیم؛ ما قدر اسلام را ندانستیم؛ ما پایه‌هایی را که پیغمبر اکرم برای بنای جوامع برجسته و متکامل انسانی بناگذاری کرده بود، در میان خود نگه نداشتیم؛ ما ناشکری و ناسپاسی کردیم و چوبش را هم خوردیم. اسلام این توانائی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند، به کمال برساند و از لحاظ مادی و معنوی او را رشد دهد. این پایه‌هایی که پیغمبر گذاشتند - پایه‌ی ایمان، پایه‌ی عقلانیت، پایه‌ی مجاهدت، پایه‌ی عزت - پایه‌های اصلی جامعه‌ی اسلامی است.

ایمانمان را در دل‌های خود و در عمل خود تقویت کنیم؛ از خرد انسانی، که هدیه‌ی بزرگ الهی به بشر است، استفاده کنیم؛ جهاد فی‌سبیل‌الله را چه در میدانهای نبرد نظامی، آن وقتی که لازم باشد؛ چه در میدانهای دیگر، میدان سیاست، میدان اقتصاد و دیگر میدانها - دنبال کنیم و حس عزت و کرامت انسانی و اسلامی را برای خودمان مغتنم بشماریم.

پیام تسلیت در پی درگذشت علامه آیت‌الله الفضلی / ۱۳۹۳/۰۱/۲۰

با حزن و اندوه فراوان، خبر درگذشت علامه آیت‌الله دکتر عبدالهادی الفضلی را دریافت نمودم. این علامه‌ی فقید، عمر شریف خود را در جهاد علمی و سیاسی و دفاع از مقدسات امت اسلامی و مسائل بر حق آن سپری کرد. این فقید از پیشگامان تفکر و اندیشه و از نظریه‌پردازان برجسته‌ی اسلامی بود و بهترین نشانه‌ی این امر، آثار و تالیفات گرانسنگ ایشان است. مرحوم الفضلی پناهگاه علمای امت بودند و با فکر و حرکت و جهاد و تلاش‌های وحدت‌آفرین خود، نمونه و اسوه‌ای را در نزدیکی دل‌ها، وحدت بخشیدن به صفوف اسلام، همدلی و دوری از نزاع‌ها و اختلافات، و تمرکز نگاه‌ها و اندیشه‌ها بر دشمن مشترک آحاد امت عظیم اسلامی ارائه کردند.

بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور / ۱۳۹۳/۰۸/۲۹

رها کردن مواضع و عقب‌نشینی منزهانه در مواجهه‌ی با دشمن، از جمله‌ی چیزهایی است که قرآن تاکید میکند که نباید انجام بگیرد؛ در جنگ نظامی و در جنگ سیاسی و در جنگ اقتصادی، در هر جایی که صحنه‌ی زورآزمایی است، در مقابل دشمن باید ایستاد؛ باید عزم شما بر عزم دشمن پیروز بشود، باید اراده‌ی شما بر اراده‌ی دشمن غالب بشود؛ و میشود و این ممکن است. در عرصه‌ی هرگونه جهاد و کارزاری، پشت کردن به دشمن و هزیمت کردن، از نظر اسلام و قرآن ممنوع است.

بیانات در دیدار اعضای ستاد کنگره‌ی بزرگداشت سه هزار شهید استان سمنان / ۱۳۹۴/۰۲/۱۲

کشور امروز خوشبختانه درگیر جنگ نظامی نیست اما درگیر جنگ سیاسی است، درگیر جنگ اقتصادی است، درگیر جنگ امنیتی است و بالاتر از همه درگیر جنگ فرهنگی است؛ یعنی یک جنگ است. یعنی این را اگر کسی نداند، آنوقت خواب خواهد ماند؛ اگر کسی نداند خواب خواهد ماند. همین‌قدر که ندانید دشمن در صد حمله است و این حمله از کجا است و چگونه است، باید مطمئن باشید شکست می‌خورید؛ باید بدانید که دشمن چه‌کار میکند. امروز صحنه‌ی کشور این است. اینکه ما می‌گوییم «جنگ فرهنگی»، «جنگ اقتصادی»، این هیچ منافات ندارد با اینکه احساس آرامش هم در کشور بشود. ما طرفدار احساس امنیتی، ما می‌خواهیم احساس امنیت بشود؛ یعنی بگیر و ببند و بزنی و بکوبی وجود نداشته باشد؛ همه احساس امنیت بکنند؛ ما این را دوست می‌داریم؛ این منافات ندارد با آن حرفی که گفتیم که دشمن دارد به شکل ویژه‌ی ممکن با ما مبارزه میکند. آن شکل ویژه را باید شناخت و راه مقابله‌ی با آن را پیدا کرد؛ انواع و اقسام شیوه‌ها هست؛ منتها حالا بعضی‌ها نمی‌خواهند این را بفهمند، نمی‌خواهند باور کنند. چون اگر چنانچه باور کنند تکلیف به گردنشان می‌گذارد؛ بعضی‌ها هم کشش آن را ندارند. اما واقعیت قضیه این است؛ یعنی امروز در زمینه‌های مختلف - همان‌طور که عرض کردیم، هم در زمینه‌ی اقتصادی، هم در زمینه‌ی فرهنگی، هم در زمینه‌ی سیاسی - یک جنگی در کشور وجود دارد. و ان اخا الحرب الارق؛ (۴) کسی که اهل مبارزه است بیدار است؛ بعد فرمود: و من نام لم ینم عنه؛ (۵) اگر شما در جبهه خوابت برد، معنایش این نیست که طرف مقابل هم خوابش برده و او هم غافل است؛ اگر تو از او غافل شدی، نشانه‌ی این نیست که او هم از شما غافل است؛

نخیر، شما ممکن است خوابت ببرد، [اما] او بیدار باشد؛ این را باید توجه داشت؛ لذاست که عرصه عرصه‌ی مهمی است.

□